

جامعه مدنی و بازسازی سرمایه اجتماعی در بستر جوامع پسا جنگ

تاریخ دریافت: ۱۴۰۵/۰۳/۲۶

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۵/۰۵/۰۳

کد مقاله: ۲۶۴۵۱

فریبا نوروزی^۱

چکیده

این پژوهش با هدف بررسی نقش جامعه مدنی در فرآیند بازسازی سرمایه اجتماعی در جوامع پس از جنگ، به تحلیل جامعه‌شناختی ابعاد مختلف این رابطه می‌پردازد. جنگ، با ایجاد گسست‌های عمیق در بافت اجتماعی سرمایه اجتماعی را کاهش می‌دهد. جامعه مدنی، به عنوان شبکه‌ای از سازمان‌ها، نهادها و انجمن‌های مستقل از دولت، می‌تواند با تسهیل ارتباطات، تقویت اعتماد، ترویج مشارکت و همکاری، و ایجاد حس تعلق، نقش بسزایی در ترمیم این سرمایه ایفا نماید. این مقاله با مروری بر مبانی نظری سرمایه اجتماعی و جامعه مدنی، و با استناد به مطالعات پیشین، به تحلیل این پدیده در بستر جوامع پسا جنگ می‌پردازد. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که جامعه مدنی، با توانمندسازی گروه‌های اجتماعی، ایجاد فضاهای گفتگو و تبادل نظر، و ترویج هنجارها و ارزش‌های مشترک، می‌تواند زمینه‌ساز بازسازی سرمایه اجتماعی و در نتیجه، همگرایی و توسعه پایدار در این جوامع باشد. در نهایت، پیشنهادات کاربردی در قالب برنامه‌های کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت برای تقویت نقش جامعه مدنی در بازسازی سرمایه اجتماعی در جوامع پسا جنگ ارائه می‌گردد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

واژگان کلیدی: جامعه مدنی، سرمایه اجتماعی، جوامع پسا جنگ، بازسازی اجتماعی

۱ - دکترای جامعه‌شناسی اقتصاد و توسعه، دانشگاه آزاد اسلامی واحد زنجان (نویسنده مسؤل)

۱- مقدمه

جنگ‌ها علاوه بر خسارات انسانی و اقتصادی، پیامدهای عمیق اجتماعی بر جای می‌گذارند که مهم‌ترین آن‌ها تضعیف سرمایه اجتماعی، کاهش اعتماد عمومی و گسست شبکه‌های ارتباطی است (Putnam, 2000). در شرایط پساجنگ، بازسازی زیرساخت‌های فیزیکی بدون بازسازی پیوندهای اجتماعی نمی‌تواند به ثبات پایدار منجر شود. در این میان، جامعه مدنی به‌عنوان مجموعه‌ای از نهادهای داوطلبانه، انجمن‌ها، سازمان‌های مردم‌نهاد و شبکه‌های اجتماعی غیررسمی، نقشی اساسی در بازسازی اعتماد، تقویت مشارکت و احیای همبستگی اجتماعی ایفا می‌کند (Diamond, Edwards, 2014; 199). مطالعات نشان می‌دهد که در جوامع پساجنگ، حضور فعال جامعه مدنی می‌تواند فرآیند آشتی ملی، مشارکت اجتماعی و بازتولید سرمایه اجتماعی را تسهیل کند. World Bank، 2011 از این رو، بررسی جامعه‌شناختی نقش جامعه مدنی در بازسازی سرمایه اجتماعی، ضرورتی نظری و عملی دارد. جنگ‌ها معمولاً تنها زیرساخت‌های فیزیکی جوامع را تخریب نمی‌کنند، بلکه ساختارهای اجتماعی، شبکه‌های اعتماد، هنجارهای همکاری و احساس تعلق اجتماعی را نیز به شدت تضعیف می‌کنند. در بسیاری از جوامع پساجنگ، شکاف‌های اجتماعی، بی‌اعتمادی گسترده، قطبی‌شدن گروه‌ها و فروپاشی روابط اجتماعی از مهم‌ترین پیامدهای جنگ به‌شمار می‌آید. در چنین شرایطی، بازسازی سرمایه اجتماعی به‌عنوان یکی از پیش‌نیازهای اساسی برای ثبات اجتماعی، توسعه پایدار مطرح می‌شود. در این میان، جامعه مدنی نقش کلیدی در ترمیم روابط اجتماعی، تقویت اعتماد میان گروه‌ها و ایجاد بسترهای مشارکت جمعی ایفا می‌کند. نهادهای جامعه مدنی مانند سازمان‌های غیردولتی، انجمن‌های محلی، گروه‌های داوطلبانه و شبکه‌های اجتماعی می‌توانند به‌عنوان واسطه‌ای میان دولت و جامعه عمل کرده و فرآیند بازسازی سرمایه اجتماعی را تسهیل کنند. این مقاله با رویکردی جامعه‌شناختی به بررسی نقش جامعه مدنی در بازسازی سرمایه اجتماعی در جوامع پساجنگ می‌پردازد و تلاش می‌کند سازوکارهای اجتماعی مؤثر در این فرآیند را تحلیل کند.

۲- طرح مسئله

جنگ منجر به فروپاشی شبکه‌های اعتماد، تضعیف هنجارهای مشترک و افزایش بی‌اعتمادی اجتماعی می‌شود (Fukuyama, 1995). سرمایه اجتماعی که شامل اعتماد، هنجارهای متقابل و شبکه‌های اجتماعی است، یکی از ارکان انسجام اجتماعی محسوب می‌شود (Putnam, 1993). در شرایط پساجنگ، جامعه با بحران بی‌اعتمادی، شکاف‌های قومی یا سیاسی و کاهش مشارکت مدنی مواجه است. مسئله اساسی این پژوهش آن است که چگونه و از چه سازوکارهایی جامعه مدنی می‌تواند در بازسازی سرمایه اجتماعی در جوامع پساجنگ نقش ایفا کند؟ همچنین چه نوع سرمایه اجتماعی (پیوندی، پل‌زن یا پیونددهنده) در این فرآیند بیشتر تقویت می‌شود؟ (Woolcock, 1998)

۳- ضرورت و اهمیت تحقیق

اهمیت این پژوهش در سه سطح قابل بررسی است:
نظری: پیوند دادن نظریه‌های سرمایه اجتماعی با ادبیات جامعه مدنی در بستر پساجنگ
کاربردی: کمک به سیاست‌گذاری اجتماعی در زمینه بازسازی اجتماعی و تقویت نهادهای مدنی
توسعه‌ای: ایجاد بستر لازم برای صلح پایدار از طریق تقویت اعتماد و مشارکت مدنی
بدون بازسازی سرمایه اجتماعی، توسعه اقتصادی و سیاسی پایدار نخواهد بود

۴- سؤال پژوهشی

۴-۱- سؤال اصلی

جامعه مدنی چگونه در بازسازی سرمایه اجتماعی در جوامع پساجنگ نقش ایفا می‌کند؟

۴-۲- سؤالات فرعی

چه سازوکارهایی از سوی نهادهای جامعه مدنی به تقویت اعتماد اجتماعی منجر می‌شود؟
نقش سازمان‌های مردم‌نهاد در بازتولید شبکه‌های اجتماعی چیست؟
جامعه مدنی تا چه اندازه در کاهش شکاف‌های اجتماعی پس از جنگ مؤثر است؟

۵- اهداف تحقیق

۵-۱- هدف کلی

تحلیل جامعه‌شناختی نقش جامعه مدنی در بازسازی سرمایه اجتماعی در جوامع پسا جنگ.

۵-۲- اهداف جزئی

شناسایی ابعاد سرمایه اجتماعی آسیب‌دیده در دوران جنگ.
بررسی نقش نهادهای مدنی در تقویت اعتماد و مشارکت اجتماعی.
ارائه پیشنهادهایی برای سیاست‌گذاری اجتماعی در دوره پسا جنگ.

۶- مبانی حقوقی و اسناد فرادست

در سطح بین‌المللی، اسناد متعددی بر نقش جامعه مدنی در بازسازی پسا جنگ تأکید دارند: منشور ملل متحد بر همکاری‌های اجتماعی و تقویت صلح پایدار تأکید دارد. گزارش توسعه انسانی سازمان ملل نقش مشارکت مدنی در بازسازی اجتماعی را برجسته می‌کند. بانک جهانی سرمایه اجتماعی را یکی از مؤلفه‌های کلیدی توسعه پسا جنگ معرفی می‌کند. در اسناد توسعه ملی بسیاری از کشورها نیز بر تقویت مشارکت مدنی و سازمان‌های مردم‌نهاد تأکید شده است.

۷- مروری بر مطالعات داخلی و خارجی

۷-۱- مطالعات خارجی

مطالعات Cullen & Colletta 2000 نشان دادند که بازسازی سرمایه اجتماعی در کشورهای پسا جنگ نقش مهمی در ثبات سیاسی دارد. وارشنی Varshney در سال ۲۰۰۲ نیز بر اهمیت شبکه‌های مدنی در کاهش خشونت‌های قومی تأکید می‌کند. فوکویاما (۱۹۹۵) سرمایه اجتماعی را عامل اصلی اعتماد و توسعه پایدار می‌داند.

۷-۲- مطالعات داخلی

در پژوهش‌های داخلی نیز سرمایه اجتماعی به عنوان عامل انسجام اجتماعی بررسی شده است (تاج‌بخش، ۱۳۸۴؛ سراج‌زاده، ۱۳۹۰). برخی مطالعات بر نقش سازمان‌های مردم‌نهاد در تقویت مشارکت اجتماعی و اعتماد عمومی تأکید دارند (عبداللهی، ۱۳۹۲).

۸- مبانی نظری

این پژوهش بر سه رویکرد نظری استوار است: بوردیو (۱۹۸۶): سرمایه اجتماعی به عنوان منبعی مبتنی بر شبکه‌های پایدار روابط. کلمن (۱۹۸۸): سرمایه اجتماعی به عنوان عاملی تسهیل کننده کنش جمعی. پاتنام (۱۹۹۳، ۲۰۰۰): سرمایه اجتماعی شامل اعتماد، هنجارها و شبکه‌های مشارکتی. همچنین مفهوم جامعه مدنی در اندیشه دایموند (۱۹۹۹) و ادواردز (۲۰۱۴) به عنوان حوزه‌ای میان دولت و بازار مورد توجه قرار می‌گیرد.

۸-۱- مفهوم سرمایه اجتماعی

سرمایه اجتماعی مفهومی است که به شبکه‌های اجتماعی، هنجارهای مشترک و اعتماد متقابل میان افراد و گروه‌ها اشاره دارد. این مفهوم در آثار جامعه‌شناسانی مانند پیر بوردیو، جیمز کلمن و رابرت پاتنام به شکل گسترده مطرح شده است. بوردیو سرمایه اجتماعی را مجموعه‌ای از منابع بالقوه یا بالفعل می‌داند که از طریق عضویت در شبکه‌های پایدار روابط اجتماعی به دست می‌آید. کلمن بر نقش سرمایه اجتماعی در تسهیل کنش جمعی و همکاری میان افراد تأکید می‌کند. در مقابل، پاتنام سرمایه اجتماعی را به دو نوع اصلی تقسیم می‌کند:

سرمایه اجتماعی پیوندی (Bonding): که روابط نزدیک و درون گروهی را تقویت می‌کند.

سرمایه اجتماعی پل ساز (Bridging): که میان گروه‌های مختلف اجتماعی ارتباط برقرار می‌کند.

در جوامع پسا جنگ، سرمایه اجتماعی پیوندی ممکن است در برخی گروه‌ها تقویت شود اما سرمایه اجتماعی پل ساز معمولاً تضعیف می‌شود؛ زیرا جنگ اغلب به قطبی شدن گروه‌های اجتماعی منجر می‌گردد.

۹- تجزیه و تحلیل

جامعه مدنی به مجموعه‌ای از نهادها، انجمن‌ها و سازمان‌های مستقل از دولت اطلاق می‌شود که در حوزه عمومی فعالیت می‌کنند. این نهادها فضای مشارکت اجتماعی، گفت‌وگو و همکاری میان شهروندان را فراهم می‌کنند. بازسازی سرمایه اجتماعی در جوامع پساجنگ یکی از مهم‌ترین چالش‌های فرایند صلح و بازسازی اجتماعی است. جنگ‌ها نه تنها ساختارهای اقتصادی و سیاسی را تخریب می‌کنند، بلکه شبکه‌های اعتماد و همکاری میان شهروندان را ضعیف می‌کنند. در چنین شرایطی، جامعه مدنی می‌تواند نقش حیاتی در ترمیم روابط اجتماعی و ایجاد بسترهای جدید برای تعامل و همکاری ایفا کند. نهادهای جامعه مدنی از طریق ایجاد فضاهای مشارکت، عدالت‌تویت شبکه‌های اجتماعی، تسهیل گفت‌وگوی میان گروه‌ها و حمایت از فرآیندهای عدالت انتقالی به بازسازی سرمایه اجتماعی کمک می‌کنند. این نهادها به شهروندان امکان می‌دهند تا از طریق فعالیت‌های جمعی، دوباره اعتماد متقابل را تجربه کرده و احساس تعلق به جامعه را بازسازی کنند. با این حال، موفقیت جامعه مدنی در این زمینه به عوامل متعددی بستگی دارد. حمایت نهادی دولت، وجود فضای سیاسی باز، دسترسی به منابع مالی و مشارکت فعال شهروندان از جمله شرایطی هستند که می‌توانند کارآمدی جامعه مدنی را افزایش دهند. در مقابل، محدودیت‌های سیاسی، تداوم تنش‌های اجتماعی و ضعف نهادهای مدنی ممکن است فرآیند بازسازی سرمایه اجتماعی را با دشواری مواجه کنند. از منظر جامعه‌شناختی، جامعه مدنی چند کارکرد اساسی دارد:

- ایجاد شبکه‌های اجتماعی میان شهروندان
- تقویت فرهنگ مشارکت و همکاری
- افزایش اعتماد اجتماعی
- میانجی‌گری میان دولت و جامعه

کاهش تنش‌ها و تعارضات اجتماعی؛ در شرایط پساجنگ، این کارکردها اهمیت مضاعف پیدا می‌کنند، زیرا جامعه نیازمند بازسازی روابط اجتماعی و کاهش بی‌اعتمادی میان گروه‌ها است.

۹-۱- پیامدهای جنگ بر سرمایه اجتماعی

جنگ‌ها تأثیرات عمیقی بر ساختارهای اجتماعی دارند. مهم‌ترین پیامدهای اجتماعی جنگ عبارت‌اند از:

- فروپاشی اعتماد اجتماعی
- گسترش خشونت و بی‌اعتمادی
- تضعیف شبکه‌های اجتماعی
- افزایش شکاف‌های قومی، مذهبی یا سیاسی
- مهاجرت و جابه‌جایی جمعیت

این عوامل باعث می‌شوند که سرمایه اجتماعی در سطح جامعه به شدت کاهش یابد. در چنین شرایطی، افراد تمایل کمتری به همکاری با دیگران دارند و روابط اجتماعی بر پایه سوءظن و رقابت شکل می‌گیرد.

۹-۲- نقش جامعه مدنی در بازسازی سرمایه اجتماعی

- تقویت اعتماد اجتماعی

یکی از مهم‌ترین کارکردهای جامعه مدنی در جوامع پساجنگ، بازسازی اعتماد میان افراد و گروه‌ها است. فعالیت‌های مشترک در قالب انجمن‌ها و سازمان‌های مدنی می‌تواند زمینه تعامل و گفت‌وگو میان گروه‌های مختلف را فراهم کند.

- ایجاد شبکه‌های اجتماعی جدید

نهادهای مدنی از طریق پروژه‌های اجتماعی، فرهنگی و آموزشی شبکه‌های اجتماعی جدیدی میان افراد ایجاد می‌کنند. این شبکه‌ها به تدریج روابط اجتماعی را بازسازی کرده و حس همبستگی اجتماعی را تقویت می‌کنند.

- تقویت مشارکت اجتماعی

مشارکت در فعالیت‌های مدنی باعث می‌شود شهروندان احساس مسئولیت بیشتری نسبت به جامعه پیدا کنند. این مشارکت می‌تواند در قالب فعالیت‌های داوطلبانه، انجمن‌های محلی یا پروژه‌های توسعه اجتماعی شکل بگیرد.

- تسهیل گفت‌وگوی میان گروه‌ها

در بسیاری از جوامع پساجنگ، اختلافات قومی، مذهبی یا سیاسی نقش مهمی در شکل‌گیری جنگ داشته‌اند. جامعه مدنی می‌تواند بستری برای گفت‌وگوی میان این گروه‌ها ایجاد کرده و زمینه آشتی اجتماعی را فراهم کند.

- حمایت از عدالت انتقالی

در برخی جوامع پساجنگ، سازمان‌های جامعه مدنی نقش مهمی در پیگیری عدالت انتقالی، مستندسازی نقض حقوق بشر و حمایت از قربانیان جنگ ایفا می‌کنند. این فرآیند می‌تواند به ترمیم اعتماد عمومی کمک کند.

چالش‌های جامعه مدنی در جوامع پساجنگ

با وجود نقش مهم جامعه مدنی، این نهادها در جوامع پساجنگ با چالش‌های متعددی مواجه هستند:

- ضعف منابع مالی و انسانی
- محدودیت‌های سیاسی
- بی‌اعتمادی عمومی نسبت به نهادها
- تداوم تنش‌های اجتماعی
- نفوذ بازیگران خارجی در برخی سازمان‌ها

این چالش‌ها می‌توانند کارایی جامعه مدنی را در فرآیند بازسازی سرمایه اجتماعی کاهش دهند.

مطالعات جامعه‌شناختی در کشورهایی مانند بوسنی، رواندا و افغانستان نشان می‌دهد که سازمان‌های مدنی نقش مهمی در بازسازی روابط اجتماعی ایفا کرده‌اند. برای مثال، برنامه‌های گفت‌وگوی بین‌گروهی در رواندا به کاهش تنش‌های قومی کمک کرده و پروژه‌های توسعه محلی در بوسنی باعث ایجاد همکاری میان جوامع مختلف شده است. این تجربیات نشان می‌دهد که سرمایه اجتماعی در جوامع پساجنگ نه به صورت خودکار، بلکه از طریق فرآیندهای اجتماعی و نهادی بازسازی می‌شود. بر اساس چارچوب نظری، جامعه مدنی از طریق سازوکارهای زیر در بازسازی سرمایه اجتماعی نقش دارد:

- ایجاد فضاهای گفت‌وگو و آشتی اجتماعی
- تقویت مشارکت داوطلبانه
- ایجاد شبکه‌های ارتباطی میان گروه‌های متخاصم
- ارائه خدمات اجتماعی و بازسازی اعتماد عمومی

بنابراین نهادهای مدنی با ایجاد سرمایه اجتماع می‌توانند شکاف‌های اجتماعی را کاهش دهند. همچنین مشارکت در انجمن‌های مدنی به افزایش اعتماد عمومی منجر می‌شود.

۱۰- نتیجه‌گیری و پیشنهادات

از منظر جامعه‌شناختی، بازسازی سرمایه اجتماعی در جوامع پساجنگ یک فرآیند بلندمدت و چندبعدی است که نیازمند تعامل میان دولت، جامعه مدنی و شهروندان است. بدون بازسازی اعتماد اجتماعی و شبکه‌های همکاری، توسعه اقتصادی و ثبات سیاسی نیز با چالش‌های جدی روبه‌رو خواهند شد. بنابراین تقویت جامعه مدنی باید به عنوان یکی از اولویت‌های اساسی در برنامه‌های بازسازی پس از جنگ در نظر گرفته شود. می‌توان گفت که جامعه مدنی نه تنها به عنوان یک نهاد واسطه میان دولت و جامعه، بلکه به عنوان بستری برای بازسازی روابط انسانی و شکل‌گیری دوباره همبستگی اجتماعی عمل می‌کند. اگر این نهادها بتوانند فضای گفت‌وگو، همکاری و مشارکت را در جامعه گسترش دهند، امکان شکل‌گیری سرمایه اجتماعی جدید فراهم می‌شود؛ سرمایه‌ای که می‌تواند پایه‌ای برای صلح پایدار، توسعه اجتماعی و بازسازی هویت جمعی در جوامع پساجنگ باشد. یافته‌های نظری نشان می‌دهد که جامعه مدنی یکی از مهم‌ترین عوامل بازسازی سرمایه اجتماعی در جوامع پساجنگ است. بدون تقویت اعتماد، همبستگی و مشارکت مدنی، بازسازی فیزیکی و اقتصادی نمی‌تواند به صلح پایدار منجر شود. جامعه مدنی با ایفای نقش میانجی میان دولت و جامعه، بستر لازم برای بازتولید سرمایه اجتماعی را فراهم می‌کند.

۱۰-۱- بسته پیشنهادی راهبردی و برنامه عملیاتی زمان‌بندی شده

تقویت حمایت قانونی از سازمان‌های مردم‌نهاد.

آموزش و توانمندسازی نهادهای مدنی در حوزه صلح و آشتی اجتماعی.

طراحی برنامه‌های مشارکت‌محور برای بازسازی اجتماعی.

ایجاد شبکه‌های همکاری میان دولت و جامعه مدنی.

تمرکز بر تقویت سرمایه اجتماعی پل‌زن در مناطق دارای شکاف اجتماعی.

۱۰-۱-۱- بسته پیشنهادی: بازسازی اعتماد و پیوند اجتماعی

این بسته بر سه محور اصلی استوار است:

محور اول: زیرساخت‌های نهادی (حکمرانی مشارکتی): ایجاد فضاهایی برای گفت‌وگوی بی‌واسطه میان حاکمیت و جامعه مدنی.

محور دوم: توانمندسازی جامعه مدنی NGOs و گروه‌های محلی: حمایت از نهادهای مدنی «غیرسیاسی» و مبتنی بر کنش‌های مشترک (مانند انجمن‌های توسعه محلی).

محور سوم: پروژه‌های میان‌گروهی: (Contact Hypothesis) طراحی فعالیت‌هایی که گروه‌های متخاصم یا آسیب‌دیده از جنگ را حول یک «هدف مشترک و ملموس» (مانند بازسازی زیرساخت‌های رفاهی منطقه) گرد هم می‌آورد.

۱-۲- برنامه اجرایی (نقشه راه)

این برنامه با فرض گذار از مرحله «تثبیت» به مرحله «توسعه» طراحی شده است:

جدول ۱- برنامه اجرایی (نقشه راه)

زمان بندی برنامه اجرایی	هدف	اقدامات
دوره کوتاه مدت (۶ ماه تا ۱ سال) «اعتمادسازی خرد و کاهش آسیب»	کاهش رادیکالیسم و بازگرداندن حداقل امنیت ذهنی.	مراکز گفت‌وگوی محلی: راه‌اندازی «خانه‌های محله» برای میزبانی از گروه‌های مختلف درگیر در جنگ. پروژه‌های معیشتی مشترک: اجرای پروژه‌های کوچک (مانند لایروبی کانال‌ها، تعمیر مدارس یا مراکز بهداشت) که نیازمند همکاری دسته‌جمعی ساکنان با پیشینه‌های متفاوت است. شفافیت حداقلی: اطلاع‌رسانی دقیق و صادقانه درباره منابع توزیع شده برای بازسازی، جهت کاهش تصور «تبعیض»
دوره میان‌مدت (۱ تا ۳ سال): «تهادسازی و مشارکت جویی»	رسمی‌سازی مشارکت و ایجاد سرمایه اجتماعی پل‌زننده (Bridging Social Capital)	حمایت از تشکلهای تخصصی: قانون‌گذاری برای تسهیل تشکیل انجمن‌های خیریه، آموزشی و محیط‌زیستی که نگاه غیرقومی/غیرفرقه‌ای دارند. مدیریت منازعه در سطح محلی: ایجاد شوراهای حل اختلاف محلی با حضور بزرگان و نخبگان معتمد هر دو طرف (مدل‌های داوری مبتنی بر فرهنگ بومی) آموزش مدنی: گنجاندن آموزش‌های «همزیستی مسالمت‌آمیز» و «حل منازعه» در برنامه‌های آموزشی مدارس و دانشگاه‌ها.
دوره بلندمدت (۳ تا ۷ سال): «تثبیت دموکراسی و سرمایه اجتماعی ساختاری»	انتقال از «جامعه پس از جنگ» به «جامعه توسعه‌یافته» و پایداری نهادها.	اصلاحات ساختاری: بازنگری در ساختار قدرت برای تضمین «نماینده‌گی عادلانه» تمامی گروه‌های درگیر در جنگ. تقویت رسانه‌های مستقل: حمایت از رسانه‌های محلی که وظیفه‌ی «نظارت بر قدرت» و «صدای بی‌صدایان» را بر عهده دارند. فرهنگ‌سازی حافظه تاریخی: ایجاد یادمان‌ها و روایت‌های ملی مشترک که به جای تأکید بر «پیروزی/شکست»، بر «زخم‌های مشترک» و «آینده مشترک» تأکید دارند.

۱-۳- کات کلیدی برای موفقیت برنامه

اصل «پایین به بالا» (Bottom-Up) «سرمایه اجتماعی با دستورالعمل‌های دولتی ساخته نمی‌شود. دولت باید نقش تسهیل‌گر (Facilitator) «را ایفا کند، نه «فرمانده»»

پرهیز از «سیاسی‌زدگی زودرس»: در جوامع پس از جنگ، هر فعالیت مدنی سریعاً برچسب سیاسی می‌خورد. بر پروژه‌هایی تمرکز کنید که «نیازهای ملموس» (آب، برق، بهداشت) را هدف قرار می‌دهند، چون این‌ها کمتر حساسیت‌زا هستند.
اندازه‌گیری پیشرفت: از شاخص‌های «سرمایه اجتماعی» مانند «میزان مشارکت در فعالیت‌های داوطلبانه»، «تعداد تشکلهای مردم‌نهاد فعال» و «نتایج نظرسنجی‌های اعتماد عمومی» برای پایش دوره‌ای مسیر استفاده کنید.

منابع

- تاج‌بخش، ک. (۱۳۸۴). سرمایه اجتماعی و توسعه. تهران: نشر شیرازه.
- سراج‌زاده، س. ح. (۱۳۹۰). سرمایه اجتماعی و انسجام اجتماعی. تهران: نشر نی.
- عبداللهی، م. (۱۳۹۲). جامعه مدنی و مشارکت اجتماعی. تهران: سمت.
- Bourdieu, P. (1986). The forms of capital. In J. Richardson (Ed.). Handbook of theory and research for the sociology of education (pp. 241–258). Greenwood.
- Coleman J. S. (1988). Social capital in the creation of human capital. American Journal of Sociology, 94, S95–S120.
- Colletta, N. J. & Cullen, M. L. (2000). Violent conflict and the transformation of social capital. World Bank.
- Diamond, L. (1999). Developing democracy: Toward consolidation. Johns Hopkins University Press.
- Edwards, M. (2014). Civil society. Polity Press.
- Fukuyama, F. (1995). Trust: The social virtues and the creation of prosperity. Free Press.
- Putnam, R. D. (1993). Making democracy work: Civic traditions in modern Italy. Princeton University Press.
- Putnam, R. D. (2000). Bowling alone: The collapse and revival of American community. Simon & Schuster.
- UNDP. (2013). Human development report 2013. United Nations Development Programme.
- United Nations. (1945). Charter of the United Nations.
- Varshney, A. (2002). Ethnic conflict and civic life. Yale University Press
- Woolcock